

فوتبال و هویت ملی

* سیدضیاء هاشمی

** محمدرضا جوادی یگانه

E-mail: zhashemi@ut.ac.ir

E-mail: myeganeh@ut.ac.ir

چکیده :

این مقاله به بررسی رابطه فوتبال و هویت ملی پرداخته و پس از تعریف هویت ملی و ابعاد آن، فوتبال را به عنوان یکی از عناصر سازنده هویت ملی در عصر حاضر مورد توجه قرار داده است. مقاله حاضر همچنین تأثیر مثبت فوتبال بر تعلقات ملی در ایران و سایر کشورهای جهان را بررسی کرده است. این نوع تأثیر، در ایجاد هویت محلی نیز مؤثر است. تأثیر متقابل نظام سیاسی و فوتبال، تناقضات میان هویت محلی و هویت ملی، و هویت ملی و جهانی در بازی‌های فوتبال و بازیکنان آن، چالش‌های هویتی بازیگر فوتبال و نیز آسیب‌شناسی نقش هویت ملی در فوتبال، از دیگر موضوعاتی است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. در بخش پایانی مقاله، با تفسیر مشاهدات میدانی جلوه‌های هویتی تماشاچیان فوتبال در جام جهانی ۲۰۰۶، تأییداتی برای مباحث تحلیلی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: فوتبال، هویت ملی، هویت محلی، هویت جهانی، چالش‌های هویتی

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

اوجگیری جاذبه فوتبال حرفه‌ای در کشور ما، طی سالیان اخیر، ابعاد و آثار اجتماعی ویژه‌ای، به ویژه در سطح ملی به این پدیده بخشیده است. توسعه لیگ‌های ورزشی و اقبال سازمان‌های مختلف به تشکیل و حمایت تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی (فوتبال) و جلب نظر اқشار جدیدی از مردم، از جمله زنان و بزرگسالان، تشدید تعلق خاطر طرفداران سنتی تیم‌های شناخته شده، بروز برخی رخدادهای خشونت‌بار در میادین ورزشی و چشمگیرتر از همه اینها، شکل‌گیری جشن‌های خودجوش ملی و فراگیر در شهرهای کشور پس از پیروزی تیم ملی، جلوه‌هایی از آثار اجتماعی فوتبال در ایران است. فوتبال به عنوان محبوب‌ترین و پرهیجان‌ترین ورزش حرفه‌ای، هزاران نفر از جوانان ایرانی را مستقیماً به عنوان ورزشکار، مربی، داور و دست‌اندرکار امور اجرایی به خود مشغول داشته و فراتر از آن، میلیون‌ها تن از جوانان مشتاق را به عنوان طرفداران پرشور درگیر کرده است. برگزاری مسابقات در سطوح گوناگون باشگاهی، ملی و بین‌المللی، مسیری برای توسعه ورزش حرفه‌ای و راهی برای پوشش اوقات فراغت علاقمندان پرشمار است و بازتاب گسترده آن در رسانه‌های جمعی مخصوصاً تلویزیون، فوتبال را به عنوان کاراترین و پردامنه‌ترین پدیده فراغتی مطرح ساخته است. بنابراین فوتبال علاوه بر کارکرد فراغتی‌اش آثار و ابعاد دیگری نیز برای مطالعه دارد. شکل‌گیری جریان اقتصادی در فوتبال با رونق گرفتن بازار نقل و انتقالات بازیکنان و مربیان حرفه‌ای، پخش تلویزیونی بازی‌ها و خرید و فروش امتیاز پخش آن، تبلیغات تجاری در جریان بازی‌ها و سرمایه‌گذاری کلان در حمایت از تیم‌های باشگاهی، ابعاد دیگری از این پدیده اجتماعی است. از طرف دیگر، با شکل‌گیری تجمعات بزرگ و پرهیجان تماشاچیان در ورزشگاه‌ها و کنش و واکنش‌هایی که در حاشیه بازی‌ها میان طرفداران جریان می‌یابد، مسائل امنیتی و قانونی پردامنه و پیچیده‌ای مطرح می‌شود که به ویژه با تشدید خشونت‌های رفتاری و گفتاری، ابعاد جدیدتری یافته است.

با رشد حوزه فعالیت رسانه‌های ورزشی و تنوع روش‌ها و تکثر مخاطبان آنها، دامنه تأثیرگذاری فوتبال در عرصه رسانه‌ای به ویژه در حوزه مطبوعات بارزتر شده است. رسانه‌های ورزشی و مشخصاً مطبوعات فوتبالی، پیوند فوتبال را با اجزای گوناگون جامعه تقویت کرده است؛ بگونه‌ای که بیشترین مخاطبان این رسانه‌ها، خوانندگانی هستند که نه ورزشکار محسوب می‌شوند و نه در عرصه ورزش کنش فعال دارند. در راستای این ابعاد و آثار کارکرد و نقش هویتی فوتبال، قابل تأمل است. ورزش

محبوب فوتبال با فضای رقابتی شدیدی که ایجاد می‌کند، به شکل‌گیری و مرزبندی گروه‌های رقیب دامن می‌زند و با استمرار آن در طول زمان، به قطب‌بندی‌های موجود، قوت و استمرار می‌بخشد. تکرار دوره بازی‌های لیگ‌ها در مقطع سالانه و بازی‌های بین‌المللی در سطوح و دوره‌های مختلف، موجب تصریح، تشدید و تقویت نگرش‌ها و گرایش‌های پدید آمده می‌شود. در این میان، مرزبندی قرمز و آبی در سطح ملی و تعریف موقعیت با موضع و موقعیت تیم ملی در بازی‌های منطقه‌ای و قاره‌ای و جهانی، آن هم با تکرار بازی در مقاطع زمانی یک، دو یا چهارساله، جهت‌گیری‌های همدلانه ملی و تقابل با رقبا را در عالم ذهن و عواطف طرفداران تقویت می‌کند؛ به گونه‌ای که اوج احساسات و هیجانات ملی را در بازی‌های حساس ملی یا باشگاهی می‌توان مشاهده نمود. در این مقاله، در صدد برآمده‌ایم تا با تحلیل واکنش‌های بازیکنان و فوتبال دوستان در سطح باشگاهی و ملی، به بررسی آثار فوتبال بر تقویت تعلقات ملی و شکل‌گیری اشتراکات ذهنی و روانی در سطوح گوناگون پردازیم. در کنار آن، فوتبال می‌تواند آسیب‌هایی را در سطوح ملی و محلی بر هویت جمعی بگذارد و باعث ناآرامی و تضعیف هویت ملی شود. این مسأله نیز در این مقاله بررسی می‌شود.

این تحلیل با اتکا به مستندات از رفتار بازیکنان و تیم‌های محلی و ملی و مشاهدات مؤلفان از رفتار تماشاچیان در مسابقات جام جهانی سال گذشته (۲۰۰۶) و نیز فعل و انفعالات جاری در مسابقات حساس دو تیم برتر و پرطرفدار کشور یعنی استقلال و پیروزی، ارائه می‌شود و به دنبال دست‌یابی به شناختی از نقش و کارکرد فوتبال در تقویت هویت ملی و ارائه پیشنهادهای برای تقویت و توسعه این کاربرد و بهره‌برداری بهتر از این سرمایه ملی است.

پیشینه

رویکرد جامعه‌شناسانه به فوتبال، دامنه متنوعی از موضوعات را دربرمی‌گیرد. در ایران، آنچه بیش از همه مورد توجه بوده، خشونت‌های فوتبال و تأثیرات اجتماعی آن بوده است (۱). برخی فوتبال را به عنوان یک واقعه اجتماعی تام دانسته‌اند و برای فوتبال و حتی خشونت‌های آن، خصلت کارناوالی قائل شده‌اند (عسگری‌خانقاه و حسن‌زاده، ۱۳۸۱) و برخی دیگر معتقدند که درباره خشونت‌های فوتبال، بیش از اندازه اغراق شده است (اباذری، ۱۳۸۱) و آثار سوء آن کمتر از سایر عرصه‌های زندگی است. در عین حال، مسأله نقش فوتبال در هویت ملی، مدتی است که مورد توجه

صاحب‌نظران قرار گرفته است. روی^۱ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «فوتبال، همبستگی اروپایی و هویت ملی»، به بررسی موردی تیم بارسلونا پرداخته است. کوالسکی^۲ (۲۰۰۵) نیز رابطه ورزش و هویت ملی را در اواخر قرن بیستم در اسکاتلند بررسی کرده است. دانیل باردسی و رابرت چاپل^۳ (۲۰۰۳) نیز در مقاله‌ای مقوله فوتبال و هویت ملی در اسکاتلند و ایرلند شمالی را مورد توجه قرار داده‌اند. لوگ^۴ (۲۰۰۶) نیز به مسأله فوتبال و هویت ملی در استونی پرداخته است.

پورتر و اسمیت^۵ (۲۰۰۴) در کتابی با عنوان «ورزش و هویت ملی در دوران پس از جنگ جهانی»، به موضوع رابطه ورزش و هویت ملی و اینکه ورزش چگونه از تغییرات در ادراک از هویت ملی حکایت می‌کند؟، پرداخته‌اند. آنها در کتاب خود، مقالاتی از نویسندگان مختلف درباره رابطه ورزش و هویت ملی در کشورها و نواحی‌ای چون: انگلستان، ولز، اسکاتلند، ایرلند، آفریقای جنوبی، حوزه کارائیب، آمریکا، نیوزلند و استرالیا. هوراک و اسپیتالر^۶ (۲۰۰۳) نیز فضای ورزشی و هویت ملی را در فوتبال و اسکی در اطریش بررسی کرده‌اند. کینگ^۷ (۲۰۰۰) رابطه فوتبال و هویت پساملی را در اروپای دوران جدید، با تأکید بر تیم منچستر یونایتد، بررسی کرده و نشان داده است که خودآگاهی جدید اروپاییان، از هویت‌های فراملی تشکیل نشده، بلکه در ارتباط با هویت‌های محلی و به ویژه شهر منچستر (در تیم منچستر یونایتد) ایجاد شده است.

هویت ملی و ابعاد و نمادهای آن

هویت ملی و قومی، از انواع هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است. در علوم اجتماعی و انسانی، نظر غالب آن است که ملت نه نژاد مشترک است و نه دولت مشترک، بلکه عوامل و عناصر اصلی ملت و ملیت زبان مشترک، دین مشترک و سرزمین مشترک می‌باشد، بدون آنکه هیچ کدام از عوامل سه‌گانه به تنهایی شاخص ملت و ملیت باشد. برخی از رشته‌ها، مثل علوم سیاسی، به جای ملت از مفاهیمی چون دولت، اقتدار سیاسی و جامعه مدنی استفاده می‌کنند. در جغرافیا، سرزمین مشترک را عامل اصلی پیوندهای ملی می‌دانند و در فلسفه، وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک را. در این میان، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، بیشتر به مفهوم هویت «ما» و «احساسات مشترک» و «آگاهی جمعی» توجه دارند که شالوده هویت ملی و قومی به شمار می‌آید.

1- Roy

2- Kowalski

3- Burdsey & Chappell

4- Loog

5- Porter & Smith

6- Horak & Spitaler

7- King

هویت ملی ریشه در احساس تعلق به طایفه و تیره و قبیله و ایل و قوم دارد. اعضای طایفه که نیا و آداب و رسوم و رهبران مشترک دارند، در سرزمینی معین زیست می‌کنند، همزبانند، با یکدیگر در زمینه‌های اقتصادی همکاری می‌کنند و برای دفاع از منافع طایفه می‌جنگند، معمولاً دارای نام معین و هویت جمعی هستند (اشرف، ۱۳۷۷). هر قومی، روح خاص خود را دارد که کاملاً متمایز از اقوام دیگر است و در هر مرحله از مراحل تاریخی‌اش، هستی متفاوتی را به خود می‌گیرد. تمامی دست‌آوردهای یک قوم محصول این روح بوده و نشان خاص آن را با خود دارد؛ کما اینکه این نشان را بر افراد یا اعضا خود نیز حک می‌کند. از این منظر، زندگی طبیعی و سعادت فرد در پیوستن به این روح قومی، قرار دارد. روح قومی، همان هویت اجتماعی هر فرد است که از طریق انعکاس آن در فرد، جامعه را به وحدت و تمامیت خود می‌رساند. به دلیل آنکه روح قومی، نماد و معرف کل جامعه بوده و کل تاریخ و تمامی دست‌آوردهای فرهنگی - اجتماعی یک قوم حاصل آن می‌باشد، موضوع تعلق خاطر، دلبستگی و افتخار یا پرستش افراد آن قوم نیز می‌باشد.

هویت ملی را می‌توان گفتمانی دانست که می‌کوشد وحدتی خاص برای مردم مشخص اثبات کند و آنها را به لحاظ اجتماعی به هم پیوند دهد. مفهوم اساسی در این گفتمان از این حیث، یعنی وحدت‌بخشی و ایجاد همبستگی اجتماعی، مفهوم ملت یا ملیت می‌باشد. مفهوم هم‌عرض این دو مفهوم، که کارکرد مشابهی دارد، مفهوم هویت ملی است که خصیصه جمعی یا کیستی اجتماعی افراد متعلق به یک ملت یا ملیت را مشخص می‌کند (کچویان و جوادی‌یگانه، ۱۳۸۴).

هویت ملی، اجزایی دارد که عناصر اساسی آن هستند. در هویت ایرانی، عناصری نظیر زبان فارسی، مذهب شیعه، مکان جغرافیایی و معدودی عنصر دیگر ابعاد هویت ملی هستند. اما در کنار این ابعاد اساسی، عناصر دیگری نیز هستند که می‌توانند به تقویت هویت ملی کمک کنند. فوتبال یکی از این موارد است. البته باید وزن هر یک از این عناصر، از جمله فوتبال را مورد توجه قرار داد و از بزرگ‌نمایی و اغراق در نقش هویت‌سازی آن، پرهیز کرد. عناصر اساسی هویت ملی، اثراتی دیرپا دارند؛ در حالی که فوتبال، آثاری پرننگ اما زودگذر در هویت ملی دارد.

تأثیر فوتبال در هویت‌سازی

رقابت‌های ورزشی، جلوه‌ای تصعید یافته از تنش‌های خشونت‌آمیز اقوام و ملت‌ها

در روزگاران گذشته است. نوربرت الیاس معتقد است که ورزش، جبران خشونت‌های فیزیکی است که در قدیم مجاز شمرده می‌شد و اکنون مجاز شمرده نمی‌شود (اباذری، ۱۳۸۱) و بوردیو (۱۳۸۱)، آن را «استفاده مشروع از تن» می‌نامد؛ هر چند هنوز جنگ‌ها از این نظر، کارکرد هویتی خود را دارند. از این منظر، تمایزات بین کشورها (و حتی بخش‌های کوچکتر یک کشور، که با هم رقابت دارند) می‌تواند در ورزش خود را نشان دهد، با این تفاوت که ورزش، رفتاری نهایتاً غیرخشونت‌آمیز است و جایگزین درگیری‌های خشن و غیرعقلانی شده است.

رقابت مسالمت‌آمیز و مبتنی بر تفاهم و قرارداد اجتماعی در عصر حاضر، بسیاری از کارکردهای رقابت‌های خشن گذشته را بر عهده گرفته و از این منظر، پیشرفتی در بشریت حادث شده است.

این مسأله، گاه باعث شده تا ملت‌هایی که از لحاظ نظامی هم سطح نیستند نیز بتوانند هم‌اورد شوند و از این منظر، برای ملل ضعیف‌تر نوعی اعتماد به نفس ایجاد شده است. در سطح اروپا، پرتغال و اسپانیا، که جزو کشورهای درجه دو محسوب می‌شوند، در فوتبال اروپا، جایگاه برجسته‌ای دارند و توانایی و شانس رقابت یا پیروزی بر قدرت‌های درجه اول را پیدا کرده‌اند. این مسأله درباره کشورهای آفریقایی، که از حیث اقتصادی و سیاسی جزو ضعیف‌ترین کشورهای جنوب به شمار می‌آیند، ملموس است و فرصتی برای آنها در رقابت با کشورهای برتر دنیا، در صحنه بین‌المللی، فراهم آورده است.

فراگیرترین عرصه بروز رقابت‌های مسالمت‌آمیز ورزشی، در مسابقات جام جهانی فوتبال بروز می‌یابد. هر چند در جام جهانی، ملت‌های جهان با هم هم‌بازی می‌شوند و از این طریق، آشنایی میان فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد و صلح و دوستی تقویت می‌شود، اما مرزهای میان ملت‌ها، در فضای مسالمت‌آمیز و دوستانه به شکل بارزی برجسته می‌شود و تأکید بر تعلقات ملی و تمایزات بین ملت‌ها پذیرفته شده و تأیید می‌گردد. از این منظر، فوتبال، کارکردی آموزشی «برای یاد دادن قواعد زندگی اجتماعی و شیوه‌های سازگاری با جامعه و مرزبندی‌های مرسوم» یافته است (آزادارمکی، ۱۳۸۱: ۱۲).

بازی ایران و آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ در فرانسه، نمونه بارزی از ایجاد پیوندهای عاطفی و برجسته‌شدن تعلقات مشترک در میان ایرانیان ساکن در نقاط مختلف جهان بود (نیز نگاه کنید به عبداللیهان، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، در شرایطی که فضای سیاسی ایران و آمریکا، این بازی را به صحنه نبرد غیرخشونت‌آمیز میان دو کشور تبدیل کرده بود، واکنش‌های خودجوش مردم ایران پس از پیروزی تیمشان، نشان داد که فراتر از

تعارضات نظام‌های سیاسی دو کشور، مسابقه فوتبال قادر است نوعی جبهه هویتی پدید آورد. پیروزی ایران حتی کسانی را که چندان از تقابل‌های سیاسی موجود میان این دو نظام، خرسند نیستند، شاد کرد و به نحوی حس پیروزی بر رقیب را در آنان برانگیخت؛ بگونه‌ای که در این مسابقه، آمریکا، حداقل به رقیب هویتی عموم ایرانیان تبدیل شد.

در بحبوحه چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک میان گروه‌های مختلف ایرانیان، از جمله موضعگیری‌های متفاوت اکثریت جامعه ایرانی با اقلیت‌هایی در کشور و با گروه‌هایی در خارج از کشور، مسأله‌ای که بتواند آنها را به راحتی به هم پیوند دهد و کنار هم بنشانند، بسیار مهم است. در سال‌های اخیر، جز فوتبال، فقط دو مسأله خلیج فارس (پس از بروز خطای مجله نشنال جئوگرافیک) و نیز تأکید بر داشتن انرژی هسته‌ای، چنین توانی را داشته است؛ اما مسابقات مختلف و ادواری فوتبال در سطح باشگاهی، ملی، قاره‌ای، و جهانی توانسته است ایرانیان را در کنار هم و در جبهه‌ای واحد با تعلقات اجتماعی و عاطفی آشکار و قوی قرار دهد.

جذب اقوام در جامعه ملی توسط فوتبال، یکی از کارکردهای هویت‌ساز آن است. واکنش پرحرارت اقوام ایرانی مانند کردهای ایران (از جمله در شهرهایی مانند گیلان غرب و سقز) در حمایت از دو تیم برجسته پایتخت در جریان داری‌ها و دو دستگی آنها (حول محور دو رنگ آبی و قرمز) در حمایت از یکی و مشاجره با طرفداران تیم مقابل در همان شهر یا در جریان بازی‌ها در تهران، نشان از سیطره تعلقات فوتبالی در سطح باشگاه‌های برتر کشور در برابر تعلقات منطقه‌ای و قومی است و شواهد دیگر در این مقوله را می‌توان در حضور یافتن بازیکنانی از اقلیت‌های مذهبی در تیم ملی نیز جستجو و تحلیل نمود.

تجربه سایر کشورهای جهان نیز نشان‌دهنده نقش فوتبال در هویت‌سازی ملی است. این مسأله به‌ویژه در کشورهای آمریکای لاتین، نظیر برزیل و آرژانتین نیز صادق است. ترکیب تیم ملی فوتبال فرانسه با حضور هفتاد درصدی اقلیت‌های مهاجر و حضور مسلمانان، عنصری برای تقویت و نهادینه‌کردن تعلقات ملی فرانسویان خارجی تبار است؛ مسأله‌ای که به‌ویژه برای کشور فرانسه با تعارضات درونی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. یکی از علل رأی‌نیاوردن رقیب شیراک (لوپن) در انتخابات سال ۲۰۰۱ ریاست جمهوری فرانسه، تهدید به اخراج خارجی تبارها پیش از جام جهانی ۲۰۰۲ بود که مشخصاً زیدان را نیز دربرمی‌گرفت و بی‌توجهی به محبوبیت و تأثیر فوتبال را نشان می‌داد. نقشی که تیم فوتبال در سطح بین‌المللی و در ایجاد و تعمیق هویت ملی دارد در

سطح محلی نیز قابل مشاهده است. اکنون برای بسیاری از جوامع، بهره‌گیری از امکاناتی مانند فوتبال و سایر ورزش‌ها در ایجاد هویت ملی یا محلی، مهم شده است. برای مثال، سرمایه‌گذاری گسترده مادی و تبلیغاتی رسانه‌ای ترکیه برای تقویت باشگاه‌های فوتبال آن کشور به منظور حضور مقتدرانه در مسابقات باشگاهی قاره اروپا (قاره فوتبال)، می‌تواند به تسهیل پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا، از طریق اروپایی شناخته‌شدن ترکیه نزد افکار عمومی اروپا منجر شود.

در کشور ما نیز، کارکرد هویت‌سازی فوتبال در مورد تیم‌های برجسته و پرطرفدار به‌ویژه استقلال و پرسپولیس یا تیم‌های موفق شهرستانی، مصداق می‌یابد. در شهری مانند یزد که کمتر سابقه‌ای در ورزش قهرمانی و به‌ویژه در فوتبال داشته است، تیم فوتبال شهید قندی توانست در میان کسانی که به نحوی به فوتبال تعلق دارند، احساسی از تمایل و دلبستگی به یک موضوع (سرنوشت تیم) ایجاد کند. این تمایل، هیچ ارتباطی با لیاقت تیم برای پیروزی و توانایی‌های واقعی آن ندارد، بلکه شهروند یزدی در یک مسابقه، فقط طالب پیروزی تیمی است که به نحوی، برجسب یزد را دارد. این مقوله که صورتی شبه‌ایدئولوژیک دارد، می‌تواند به سادگی فردی را داخل در هویت محلی نماید و یک درون - گروه^۱ و برون - گروه^۲ روشن و بسیط (تیم شهید قندی، تیم مقابل) ایجاد کند. همین ویژگی است که تجمع انبوه چند ده هزار نفری تماشاچیان ثابت تیم شهید قندی در استادیوم ورزشی را تبیین می‌کند. این مسأله به نحوی دیگر، در تیم ابومسلم مشهد نیز صادق و قابل توجه است.

فوتبال و سیاست

فوتبال به دلیل اثرگذاری خود، جایگاه ویژه‌ای در عرصه روابط بین‌الملل و معادلات داخلی یافته است. محبوبیت و شهرت تیم‌ها و ستارگان فوتبال، قدرت اثرگذاری بالایی به آنها بخشیده است. این نفوذ و قدرت در سطح سیاسی هم نمود پیدا کرده است. ورود فوتبال‌بست‌های برجسته به عالی‌ترین سطوح سیاسی، شاهدهی بر این مدعاست. در سال‌های اخیر، در چند کشور آمریکای لاتین، فوتبال‌بست‌ها کاندیدای ریاست جمهوری شده‌اند. در ایران نیز چهره‌های ورزشی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر تهران وارد شده و موفقیت‌هایی هم کسب کرده‌اند. در چند سال گذشته برخی چهره‌های ورزشی به دلیل حسن شهرت، کسب افتخارات ملی و کسب محبوبیت در

1- In-group

2- Out-group

میان مردم، از سوی گروه‌های سیاسی مختلف نامزد شدند و رأی آورند و چه بسا حضور آنان در لیست‌های یک گروه، توانست علاوه بر رأی آوردن خود آنان، به موفقیت بیشتر گروه کمک نماید. علاوه بر آن، در بسیاری از رقابت‌های انتخاباتی، رأی ورزشکاران و به‌ویژه فوتبالیست‌ها اهمیت داشته است. موضع‌گیری‌های انتخاباتی مریبان برجسته ورزشی شاهدی بر این مدعاست.

تحلیل روند رفتار انتخاباتی در ایران، در انتخابات‌های گذشته، نشان‌دهنده تغییر از سطح حمایت ورزشکاران از کاندیداهای سیاسی، به سطح نامزدی و مشارکت مستقیم آنان در انتخابات‌ها دارد.

اقبال مردم به چهره‌های ورزشی، باعث شده تا هم ورزشکاران برجسته، اعتماد به نفس بیشتری برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و رقابت با سیاسیون حرفه‌ای پیدا کنند و هم جریان‌های سیاسی از این اقبال مردم استفاده کرده و آنها را در لسیت‌های خود بگنجانند، تا هم با رأی آوردن ورزشکاران کرسی‌های بیشتری را به دست آورند و هم نام این ورزشکاران باعث تقویت لیست و رأی آوردن اسامی دیگر بشود. به بیان دیگر، ورزش حرفه‌ای، اکنون به کمک سیاست حرفه‌ای آمده است.

از سوی دیگر، نفوذ فوتبال، مورد توجه و استفاده رهبران سیاسی نیز قرار گرفته است. حضور سران کشورها در مسابقات بین‌المللی فوتبال، به‌عنوان تماشای و تشویق‌کننده تیم، و حتی حضور آنها در تمرین‌های تیم ملی برای مسابقات بین‌المللی، نمونه‌ای از اقبال سیاست‌مداران به فوتبال و توجه آنان به محبوبیت و اهمیت این ورزش است.

چالش‌های هویتی بازیگر فوتبال

در باب هویت، در این زمانه، افرادی درگیر هویت‌های گوناگون محلی، ملی و جهانی هستند که گاه همراستای با هم و گاه در تعارض یا تفاوت با هم هستند. تعارض میان هویت‌های ملی و محلی، تاریخی نسبتاً طولانی دارد؛ اما ایجاد هویت جهانی و چالش آن با هویت ملی، محصول دوران مدرنیته متأخر است و به‌ویژه توسط رسانه‌های جمعی تقویت شده است. سازگاری برقرارکردن میان این هویت‌ها و مدیریت آنها، دشوار است؛ یعنی فرد باید بتواند هویت‌های خردتر (مانند هویت محلی) را ذیل هویت‌های کلان‌تر تعریف کند و هنگام انتخاب میان عمل براساس تعلقات ملی و محلی، تعلقات محلی خود را کنار بگذارد.

در بازی فوتبال نیز، یک تیم یا بازیگر، گاه در معرض این هویت‌های چندگانه قرار

می‌گیرد. این تعارض، گاه میان هویت ملی و محلی، و گاه میان هویت جهانی و ملی است. این مسأله در مورد تماشاچیان هم صادق است. اینکه بعضی وقت‌ها تماشاچیان یک تیم محلی، در بازی ملی، از موفقیت بازیکن تیم محلی رقیب خود چندان خوشحال نیستند، به دلیل آن است که هنوز نتوانسته‌اند میان این دو نقش خود (رقیب در سطح محلی و بازیکن در نقش ملی)، تفکیک ایجاد کنند.

عدم تمایز بین سطح محلی و ملی در فوتبال، گاهی در سطح مدیران و مربیان نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، ممکن است مربیان ملی که از تیمی محلی برخاسته‌اند، در انتخاب بازیکنان منافع تیمی را بر مصالح ملی ترجیح دهند. در این صورت، بازخورد آن انتخاب در میان تماشاچیان و علاقه‌مندان به فوتبال، موضع تیمی آنها را تشدید می‌کند و به صورت تجمعی به کاهش مضاعف تعلقات ملی منجر می‌شود. این موضوع در شرایطی که تیم دچار ضعف عملکرد می‌شود یا به هر دلیل از دستیابی به نتایج مطلوب باز می‌ماند، برجستگی بیشتر می‌یابد. در اینجا، استدلال‌ها علیه دست‌اندرکاران تیم ملی، بیشتر به اختلافات سابق و احیاناً نقدهایی که زمان انتصاب این مسئولان مطرح شده بوده، برمی‌گردد. رواج ادعاهایی از قبیل اینکه «اگر مربی از تیم ما انتخاب شده بود، نمی‌باختیم» یا «اگر ترکیب تیم متعادل‌تر بود (یعنی از تیم ما بازیکنان بیشتری انتخاب شده بودند)، نتیجه بهتری می‌گرفتیم»، در این موقعیت‌ها، حکایت از موضعی پیشین درباره مسأله جدید دارد.

باید توجه داشت که اگر چه گفته می‌شود فوتبال امروزه تبدیل به علم شده است (و البته شده است)، اما باز هم در فوتبال، رخداد‌های غیرمترقبه اتفاق می‌افتد و بخشی از آن به شمار می‌رود. بر این اساس، وقتی چنین اتفاقات غیرمترقبه‌ای به حصول نتیجه ضعیفی منجر شود، به جای استدلال‌های فنی و عقلانی، هیجانات جمعی مبتنی بر تعلقات محلی ظهور بیشتری پیدا می‌کند.

عدم تفکیک بین تعلقات ملی و منافع باشگاهی، گاه به تضعیف جایگاه ملی یک فوتبالیست حرفه‌ای منجر می‌شود. الزامات حرفه‌ای در فوتبال، در برخی موارد، موجب می‌شود برای حفظ آمادگی لازم در سطح باشگاهی، اهتمام کافی به بازی‌های ملی داده نشود. لژیونرها، همواره به صورت بالقوه در معرض چنین تعارض منافی قرار دارند. در این شرایط، هویت ملی یک بازیکن، فدای موقعیت حرفه‌ای او در سطح جهانی می‌شود. حرفه‌ای شدن فوتبال در سطح جهان، باشگاه‌های معتبر فوتبال را به مثابه شرکت‌های چندملیتی متشکل از بازیکنانی با ملیت‌های گوناگون درآورده است. در

اینجا نیز منافع باشگاهی رسماً بر تعلقات ملی رجحان می‌یابد. مثلاً وقتی یک تیم مشهور انگلیسی از بازیکنان شاخصی از ملیت‌های دیگر بهره می‌گیرد، اهتمام این بازیکنان در مسابقات باشگاه‌ها در سطح قاره‌ای بر پیروزی تیم خود بر سایر رقبای حتی از تیم‌های کشور خودشان است. با پیروزی منچستر یونایتد بر یک تیم پرتغالی، در لیگ باشگاه‌های اروپا، رونالدوی پرتغالی در جشن پیروزی انگلیسی‌ها بر تیم پرتغالی شرکت می‌کند و طبیعتاً برای تماشاچیان انگلیسی افتخار می‌آفریند.

آسیب‌شناسی نقش هویت ملی در فوتبال

هویت ملی، که بر پایه رویارویی «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد، هم می‌تواند نیرویی سازنده باشد و هم به نیرویی ویرانگر بدل شود. احساس هویت ملی، در حد معقول و معتدل، می‌تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد، ولی اگر به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد شود و یا به بهانه چالش با تعصبات قومی به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند، نیرویی ویرانگر و زاینده دشمنی خواهد بود (اشرف، ۱۳۷۷). عناصر هویت ملی، کمتر می‌توانند اثر دوگانه داشته باشد؛ یعنی در بیشتر موارد تأثیر مثبت و افزایش بر هویت ملی دارند؛ اما فوتبال، بالقوه اثری دوگانه دارد. به بیان دیگر، تأثیر مخرب آن بر هویت ملی، گاه به اندازه تأثیر مثبت آن است. «اگر پیروزی در فوتبال نقش مثبت در هویت ملی داشته باشد، باخت در آن هم بر هویت ملی تأثیر منفی دارد و می‌تواند منجر به افسردگی و غمگینی اجتماعی شود» (عبداللهیان، ۱۳۸۱: ۹۶). بروز هیجانات و احساسات قوی در فوتبال، همراه با تعلقات و تعصبات شدید نسبت به تیم محبوب، بر این دوگانگی دامن می‌زند. به ویژه عملکرد صداوسیما و سایر رسانه‌های جمعی، که گاه تمام سعی خود را در تهییج احساسات مردم به کار می‌برند، به تشدید این هیجانات کمک می‌کند. در این حالت، اگر تیم ملی دچار باخت شود، جامعه که به شدت از نظر احساسی تهییج و تحریک شده، در انفعال و سردرگمی فرو می‌رود. البته جاذبه و هیجان فوتبال، مرهون همین احساسات و اوجگیری آن است؛ ولی، مرزبندی‌های پدیدآمده در فوتبال، می‌تواند از طریق ارتقای سطح آگاهی و قدرت تحلیل تماشاچیان و طرفداران، در مسیر منطقی و معقول خود قرار گیرد. تخریب‌ها و بروز خشونت‌های فیزیکی در حاشیه مسابقات فوتبال، متأثر از همین هیجانات کنترل‌ناشدنی است؛ ولی در عمل و در طول زمان، به تدریج رفتارها و تمایلات علاقه‌مندان به فوتبال با عقلانیت بیشتری همراه شده است. بنابراین، می‌توان

ادعا کرد که جذابیت فوتبال با رویکرد و عملکردی نسبتاً عقلانی با مرزبندی‌های اجتماعی پدید آمده در فوتبال حرفه‌ای، مانع‌الجمع نیست.

جام جهانی ۲۰۰۶ و تجلی‌های هویتی

نمونه‌هایی ملموس در باب قدرت هویت‌سازی فوتبال در مشاهدات میدانی نگارنده اول این مقاله در جام جهانی اخیر قابل ذکر است. این نمونه‌ها شامل جلوه‌هایی از اقدامات عملی و واکنش‌های عاطفی است که نمایانگر اشتراکات هویتی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد و در عکس‌هایی که توضیح آنها در ادامه می‌آید، مشهود است.

این عکس‌ها (۲) در حاشیه بازی‌های تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی گرفته شده و رفتارهای ایرانیان علاقه‌مند به تیم ملی و واکنش‌های سایر تماشاچیان حاضر در جام جهانی نسبت به نماینده کشور ایران را نشان می‌دهد. برخی از ایرانیان حاضر در جام جهانی که به قصد تماشای بازی‌های آن آمده بودند، اساساً جزو تماشاچیان حرفه‌ای یا فوتبال‌دوستان دل‌داده به حساب نمی‌آیند؛ بلکه صرفاً نمادی از ایران و ملیت ایرانی، آنان را به این عرصه کشانده است. همچنین شمار کثیری از تماشاچیان که متعصبانه به تشویق تیم ایران می‌پرداختند، غیرایرانی بودند. همانگونه که تصاویر نشان می‌دهند، بسیاری از عرب‌زبان‌ها (با لباس عربی) یا مسلمانان اروپایی، در این مسابقات حاضر شده و با علاقه، پیروزی تیمی را که با آن احساس تعلق عاطفی و هویتی دارند، آرزو می‌کنند.

مشاهده میدانی این صحنه‌ها، محقق را بر آن می‌دارد که با عبور از لایه‌های سطحی موضوع معنای جامعه‌شناختی این رفتارها را مورد تأمل قرار دهد. مشاهده مستقیم توأم با مشارکت پدیده اجتماعی راهی هموار فراروی مشاهده‌گر قرار می‌دهد تا معنای کنش‌های اجتماعی را دریابد. در این مشاهدات، می‌توان با گذار از ظواهر رفتار و با اتکا به فهم مستقیم کنش و واکنش‌ها و احساسات و تمایلات جاری، به تبیین رفتارها و نیز استنباط رویکرد کنشگران و تفهم معنای رفتارهای آنها پرداخت.

جام جهانی، موقعیتی استثنایی و فوق‌العاده جذاب برای این هدف پژوهشی است. جام جهانی فوتبال، یک واقعه بزرگ ورزشی است که عرصه‌ای برای تجمع میلیون‌ها نفر از فوتبال‌دوستان و نیز نمایندگان رسانه‌های جمعی از سراسر عالم را فراهم می‌سازد و البته از طریق رسانه و با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای و ارتباطی، میلیاردها نفر از شهروندان کشورهای مختلف، در جریان وقایع مربوط به بزرگترین رویداد فوتبالی جهان قرار می‌گیرند. حضور جمعیتی کثیر با تمایلات،

فرهنگ‌ها و ارزش‌های گوناگون، همراه با تعلقات و تعصبات ملی متفاوت موقعیتی را فراهم می‌آورد تا مرزبندی‌های هویتی، مشاهده‌پذیر شوند.

صحنه‌هایی کثیر و متنوع از تعاملات اجتماعی در جریان این مسابقات، این جلوه‌ها را نمایان می‌سازد. برخی از نمونه‌های آن چنین هستند:

- حمل پرچم‌ها و نمادهای ملی توسط طرفداران در مسیرهای منتهی به ورزشگاه‌ها و سپس در جریان بازی.
- بروز حرکات نمایشی در جریان مسابقه برای تشویق تیم محبوب یا تحت تأثیر قراردادن تیم مقابل.
- سردادن سرودهای جمعی توسط طرفداران در جریان بازی، و قبل و بعد از آن.
- رجزخوانی، و طعنه‌زدن به طرفداران رقیب در حاشیه بازی، به ویژه در مسیر ورزشگاه‌ها و اطراف آن، قبل از آغاز بازی.
- ابراز پیوندهای نمادین و عاطفی با طرفداران تیم محبوب، از طریق تشکیل گروه‌ها و دسته‌های تماشایی، شعاردهنده و تشویق‌کننده. پوشیدن لباس‌های یکدست و همچنین مکان‌گزینی هماهنگ طرفداران در ورزشگاه و ایجاد تمایزات نسبی در سکوی محل استقرار تماشاچیان.

این مثال‌ها فراوان هستند و عرصه برای تفسیر آنها نیز گسترده است؛ اما، در این بحث، آنچه می‌تواند ما را به مقصود برساند و کارکردهای هویت‌بخش فوتبال را نشان دهد، در این مثال‌ها و نیز نمونه‌هایی از تصاویری که از واقعیت‌هایی اینچنین تهیه شده، ارائه شده است. تفسیر این رخدادها، در سایه رویکردی جامعه‌شناختی به تجلیات هویتی در رفتارها و واکنش‌های جمعی، ما را به هدف نزدیک‌تر می‌کند. بر این اساس، در ادامه بحث به تفسیر نشانه‌شناختی نمونه‌هایی از تجلی‌های هویتی در جام جهانی ۲۰۰۶ در دو سطح ملی و فراملی می‌پردازیم.

الف) سطح ملی

عکس‌هایی که زنان بی‌حجاب ایرانی در خارج از کشور را نشان می‌دهد، که برای تماشای مسابقه فوتبال ایران و آنگولا در جام جهانی ۲۰۰۶ حاضر بودند و بر شانه یا پشت خود پرچم «جمهوری اسلامی» را حمل می‌کردند یا آن را پوشیده بودند (عکس شماره ۱)، در حالی که در کنار آنان، بودند افرادی که پرچم «ایران» یا پرچم «شیر و خورشید» را حمل می‌کردند؛ با وجود اینکه تبلیغات رسانه‌ای ماهواره‌های فارسی زبان

در سطح گسترده‌ای بر استفاده از پرچم شیر و خورشید تأکید کرده و حمل پرچم رسمی را به عنوان رأی مثبتی به جمهوری اسلامی تفسیر و منع کرده بودند. آنان در این تبلیغات، فضایی را طراحی کرده بودند که استفاده از پرچم‌های غیررسمی، نشانه عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و مخالفت ایرانیان با آن قلمداد شود. با وجود این، بهره‌گیری از پرچم ملی به عنوان نماد هویتی، دال بر قدرت و قوت علائق ملی در میان ایرانیان، صرف‌نظر از تعلقات سیاسی گوناگون است.

تأکید بر زنان، به این دلیل است که هنجارهای ایدئولوژیک یا قانونی جمهوری اسلامی، در حجاب زنان شاخص و مشهود است و نمادی است که دسته‌بندی ملموسی از حیث موضع‌گیری نسبت به نظام قانونی ایجاد می‌کند. اکنون زنان بی‌حجاب با وجود نقض آشکار مهم‌ترین هنجار مشهود نظام جمهوری اسلامی درباره زنان (یعنی حجاب)، پرچم رسمی (یعنی نشان همان نظام) را حمل می‌کنند؛ با اینکه پرچم بی‌نشان یا با نشان متعارض با جمهوری اسلامی هم در دسترس آنها قرار داشت.

تفسیر نشانه‌شناختی این عکس‌ها، نشان می‌دهد که ایرانیان، اکنون تیم ملی فوتبال ایران را که توسط نهادهای رسمی کشور به یک تورنمنت بین‌المللی معتبر اعزام شده است، به عنوان «نماد» و نماینده کشور و ملت ایران پذیرفته‌اند و مرزهای ایدئولوژیک و سیاسی که برخی از آنان را از حکومت و نهادهای رسمی منتسب به آن جدا می‌کند، نادیده گرفته‌اند.

تفسیر دیگر آن است که آنان، چندان در قید و بند نشانه‌های پرچم ایران نیستند و تلقی‌های سیاسی از پرچم را نمی‌پذیرند. عکس‌های شماره ۲، ۳ و ۴، چند زن ایرانی بی‌حجاب را نشان می‌دهد که پرچم شیر و خورشید بر تی‌شرت آنها نقش بسته است. یکی از آنها پرچم جمهوری اسلامی را در دست گرفته و دیگری، پرچم بی‌نشان و سومی پرچم شیر و خورشید را حمل می‌کند. نشانه‌های عکس هم حاکی از رفاقت آنها با هم است. در عکس‌های دیگری (شماره‌های ۵ و ۶)، زنی بی‌حجاب پرچم جمهوری اسلامی را با خود حمل می‌کند و مرد همراه وی، پرچم شیر و خورشید را. در عکس‌های دیگر (شماره‌های ۷ و ۸)، دو زن که با هم هستند، یکی پرچم جمهوری اسلامی دارد و دیگری پرچم بی‌نشان. در عکس‌های دیگر (۹، ۱۰ و ۱۱)، زن بی‌حجابی، پرچم جمهوری اسلامی را با خود حمل می‌کند. این تناقض آشکار (استفاده از پرچم‌های از لحاظ سیاسی، متضاد)، جز با بی‌اعتنایی آنها به نشانه‌های پرچم سه رنگ، ممکن نیست. یعنی از نظر آنها نشانه ایران است و آنچه مهم است، ایران است و نه نوع حکومت آن.

بنابراین، در اینجا تیم ملی فوتبال، نماینده ایران است. ایرانیان دوستدار فوتبال، در یک فضای رقابت‌برانگیز که بستری برای تعامل مستقیم میان ملت‌ها با فرهنگ و تاریخ متفاوت است، در یک سوی میدان، نماینده «خود» و نماینده کشور و ملت خود را می‌یابند و برای پیروزی آن، شور و غوغا به پا می‌کنند. یعنی آنان بخشی از عواطف و هستی اجتماعی خود را در این متجلی می‌بینند و به‌رغم میل مخالفان نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور، چندان تمایلی به کشاندن پای مواضع سیاسی و رسمی، به این عرصه ندارند. این عرصه، یکی از معدود میادینی است که همه ایرانیان می‌توانند شعار واحد دهند، عواطف یکسانی ابراز کنند و نیاز آشکار به سایر هموطنان را در تعامل چهره به چهره تجربه نمایند.

این هویت یکسان، در استفاده مردان از پرچم جمهوری اسلامی نیز مشهود است (عکس شماره ۱۲) که به دلیل عدم وجود نشانه‌های آشکار پذیرش یا عدم پذیرش قواعد رسمی نظام در پوشش و بدن مردانه، نمی‌توان نتایج صریحی مانند آنچه در بالا گفته شد، گرفت.

ب) سطح فراملی

در عکس‌های شماره ۱۳ و ۱۴ نیز دو نفر از اتباع کشورهای آسیایی دیده می‌شوند که پرچم ایران را به دست گرفته و به منظور تشویق تیم آسیایی و مسلمان ایران در برابر تیم غیرآسیایی، به ورزشگاه آمده‌اند. این دو، عرب‌زبانانی مسلمانند که دارای اشتراکات دینی و جغرافیایی با ایرانیان هستند. این حس مشترک، انگیزه کافی برای جلب آنان به ورزشگاه، در هیأت طرفدار تیم ایران و علاقه‌مند به پیروزی آن در مقابل رقیب غیرآسیایی است. این در حالی است که این دو، به هیچ وجه قادر به تکلم به زبان فارسی نبوده و سابقه‌ای هم از حضور در ایران یا پیوندی دیگر با ایرانیان ندارند. در این شرایط، فوتبال نیرویی ایجاد می‌کند که اتباعی از کشورهای دیگر را به جمع حقیقی یا مجازی طرفداران و دوستداران یک تیم پیوند می‌دهد.

در گفتگوی نگارنده اول با فوتبال‌دوستانی از کشورهای مختلف از قبیل ترکیه، هند، عربستان و عراق، که طی مسابقات تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی به جمع حامیان و تشویق‌کنندگان تیم ایران می‌پیوستند، حس مشترک آسیایی و همچنین تعلقات دینی، به عنوان انگیزه آنان برای این اقدام مشاهده می‌شد. این حس دینی مشترک، در گفتگو با افرادی از کشورهای غیرآسیایی چون آلبانی هم مشاهده شد. بنابراین، فوتبال به عنوان

نهادی اجتماعی که مرزهای ملی را در نور دیده است، قادر به ایجاد هویتی فراملی (در سطح یک قاره) یا تقویت همبستگی اجتماعی و دینی در میان کشورهای مسلمان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

کارکردهای اجتماعی ورزش، به ویژه ورزش پرطرفدار فوتبال در سطح جهانی و در کشور ما، به صورت روزافزون در حال گسترش است. گسترش اوقات فراغت و اهمیت یافتن بیش از پیش آن و نیز افزایش قدرت و عملکرد رسانه‌های جمعی، باعث شده تا فوتبال حرفه‌ای در میان عموم مردم جایگاهی درخور یابد. نفوذ گسترده تلویزیون در سطح کشور و اهتمام این رسانه به پوشش رخدادهای مربوط به فوتبال، پیوند این ورزش را با افشار مختلف جامعه، حتی در سطح خانواده‌ها، عمق بخشیده و موقعیتی کم‌نظیر در ساختار فرهنگی برای آن ایجاد کرده است.

بر این اساس، در شرایطی که چالش‌های هویتی در سطح ملی و فراملی توجه صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است، فوتبال حرفه‌ای به عنوان عنصری هویت‌ساز جلوه نموده است. امروزه تیم ملی فوتبال، به یکی از شاخص‌ترین نمادهای ملی تبدیل شده و حضور این تیم در عرصه رقابت‌های بین‌المللی و جهانی، سرمایه بزرگی از حمایت و همدلی ملی را با خود همراه می‌کند. این سرمایه ملی می‌تواند در جوامع مختلف مورد توجه جدی قرار گرفته و تمهیداتی برای بهره‌گیری از آن، به منظور تقویت انسجام ملی و ارتقای غرور ملی اندیشیده شود.

حضور تیم ملی کشور ما در بازی‌های جام جهانی سال گذشته، جلوه‌ای از کارکرد هویت‌ساز ورزش فوتبال را به نمایش گذاشت. حضور همدلانه ایرانیان مقیم در کشورهای مختلف دنیا، در استادیوم‌های محل برگزاری بازی‌های تیم ملی ایران، و حمایت بی‌دریغ آنان از این تیم، تعلقات ملی ریشه‌دار و تعیین‌کننده آنان را برجسته ساخت. حضور مستقیم ایرانیان در مسابقات تیم ملی و واکنش‌های همدلانه میلیون‌ها ایرانی در سراسر دنیا نشان داد که فوتبال نه فقط ورزشی جذاب، بلکه کالایی فرهنگی است که مصرفی گسترده و آثاری ماندگار در عرصه تعلقات و هویت ملی به دنبال دارد.

تأثیرات هویتی فوتبال، محدود به تقویت تعلقات و هویت ملی نیست، بلکه در سطوح فراملی نیز می‌توان جلوه‌های آن را مشاهده کرد. حمایت مسلمانان غیرایرانی، از جمله عرب‌ها و مسلمانان مقیم آلمان، از تیم ایران و سایر تیم‌های مسلمان، جلوه‌هایی از بروز هویت فراملی بودند.

در تحلیل آثار هویتی فوتبال حرفه‌ای و ترسیم آثار مثبت آن، نباید از آسیب‌ها و آفات احتمالی نیز غافل شد. جاذبه‌های فوتبال، می‌تواند چالش‌هایی را نیز در سطح محلی و منطقه‌ای پدید آورد و موجب بروز تعارضاتی میان هویت محلی، ملی و جهانی شود. بنابر این ضمن توجه به آثار و کارکردهای مثبت فوتبال در عرصه هویت‌سازی، باید وقوف کافی نسبت به آسیب‌ها و تعارضات احتمالی ناشی از آن نیز به وجود بیاید و در نهایت، این پدیده ورزشی - فرهنگی، به عنوان نمادی از هویت و عنصری هویت‌ساز مورد مطالعه و توجه قرار گیرد.

یادداشت‌ها :

- ۱- یک شماره نامه علوم اجتماعی، پس از آشوب‌های میان بازی استقلال و پرسپولیس، به این موضوع اختصاص یافته بود. از مقالات مرتبط با خشونت در فوتبال می‌توان موارد زیر را یاد کرد: مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۸۱؛ صدیق سروستانی، ۱۳۸۱؛ محسنی‌تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱.
- ۲- عکس‌ها در دفتر فصلنامه موجود است؛ ولی به دلیل اینکه بنای مجله بر چاپ عکس و تصویر نیست، صرفاً به توضیح نشانه‌شناختی آنها اکتفا می‌شود. بدیهی است علاقه‌مندان به این موضوع می‌توانند با مراجعه به دفتر فصلنامه، از این تصاویر استفاده نمایند.

منابع:

- ۱- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۱): «فوتبال، پارادوکس نوسازی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۸-۵.
- ۲- ابادری، یوسفعلی (۱۳۸۱): «نوربرت الیاس و فرایند متمدن شدن»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۹-۲۵.
- ۳- اشرف، احمد (۱۳۷۷): «بحران قویت ملی و قومی در ایران»، *ایران نامه*، س دوازدهم، ش ۳.
- ۴- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱): «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدرضا فرازنده، *ارغنون*، ش ۲۰، صص ۲۴۵-۲۲۷.
- ۵- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۱): «تخلیه منفعل هیجان یا تزریق فعال خلیجان (پژوهشی در مورد درگیری حواشی مسابقات فوتبال)»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۹۱-۶۹.
- ۶- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱): «فوتبال و کشف علائم تغییرات فرهنگی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۰۴-۹۳.
- ۷- عسگری‌خانقاه، اصغر و علیرضا حسن‌زاده (۱۳۸۱): «فوتبال و فردیت فرهنگ‌ها»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۲۳-۱۰۵.
- ۸- کچویان، حسین و محمدرضا جوادی یگانه (۱۳۸۴): «تطور نظریه‌های هویت در غرب: از تجدد تا مابعد تجدد»، *علوم سیاسی*، ش ۲۹، صص ۸۴-۵۱.
- ۹- محسنی‌تبریزی، علیرضا و محمدمهدی رحمتی (۱۳۸۱): «سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی - توصیفی خشونت در ورزش»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۵۳-۱۲۵.
- ۱۰- مصباحی‌پور ایرانیان، جمشید (۱۳۸۱): «چرا فوتبال؟»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۹، صص ۱۶۵-۱۵۵.
- ۱۱- معلوف، امین (۱۳۸۱): *هویت‌های مرگبار*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- 12- Burdsey, Daniel & Robert Chappell (2003); "Soldiers, Sashes and Shamrocks: Football and Social Identity in Scotland and Northern Ireland". *SOSOL (Sociology of Sport Online)* 6 (1). (June July) http://physed.otago.ac.nz/sosol/v6il/v6il_1.html, 10 May 2007.
- 13- Horak, Roman & Georg Spitaler (2003); "Sport Space and National Identity: Soccer and Skiing as Formative Forces: On the Austrian Example" *American Behavioral Scientist*, Vol. 46, No. 11: 1506-1518.
- 14- King, A. (2000); "Football Fandom and Post-national Identity in the New Europe", *British Journal of Sociology*, Sep;51(3):419-42.
- 15- Kowalski, Ronald (2005); "Cry for Us, Argentina: Sport and National Identity in late-20th Century Scotland", *Svenska Historikermötet*, 22-24 april 2005, Uppsala.
- 16- Loog, Alvar (2006); "Football and the Estonian National Identity", *ESTONIAN CULTURE*, 1/2006 (7).
- 17- Porter, Dilwyn & Adrin Smith (2004); *Sport and National Identity in the Post-War World*, London: Routledge.
- 18- Roy, Joaquin (2001); "Football, European Integration, National Identity: The Case of FC Barcelona", *European Community Studies Association (ECSA) Conference*. Madison, Wisconsin, May 31-June 2, 2001.